

ژورنال

شماره ۷۳۸

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

۲۳ مه ۲۰۲۴ - ۳ خرداد ۱۴۰۳

در این شماره ژورنال

تبعات مرگ رئیسی

اصغر کریمی

سازمان عفو بین‌الملل و رسیدگی به جنایات رئیسی جلاد

حسن صالحی

ماشاءالله کرمی‌ها تنها نیستند

یاشار سهندی

شرط مهم حل مسئله فلسطین

محسن ابراهیمی

نوجوان پاکستانی با "قلب هندی"

کیوان جاوید

تبعات مرگ رئیسی

اصغر کریمی

تحلیلگران سیاسی تقریباً همه متفق القول هستند که رئیسی در تعیین سیاست‌های نظام نقشی نداشته و این خامنه‌ای است که سیاست‌های حکومت را تعیین می‌کند و نتیجتاً سیاستی تغییر نمی‌کند. این یک واقعیت است. رئیسی یک سیاست‌مدار نبود و دستورات را از خامنه‌ای و سپاه می‌گرفت. رئیسی اساساً یک پُست بود، نه بیشتر و با مرگ او نه سیاست‌های داخلی و نه بین‌المللی تغییری نخواهد کرد.

مرگ رئیسی و نحوه مرگ او، بی‌شک یک اتفاق

شوم برای کل حکومت بود. مرگ او علاوه بر اینکه فرصتی برای مردم بود که شادی کنند و علیه حکومت جنگ روانی راه بیندازند، مجموعه‌ای سؤال فنی و ابهامات امنیتی و خبررسانی‌های متناقض، را در میان ارگان‌های حکومت دامن زده و بلبشویی را در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نشان می‌دهد. اما مهم‌تر این است که رئیسی تنها رئیس‌جمهوری بود که مورد غضب خامنه‌ای قرار نگرفته بود. او در بست مطیع خامنه‌ای بود. اراده‌ای از خود نداشت و همراه با رؤسای قوه قضاییه و مقننه حکومت، تصویر یکدستی از جناح حاکم می‌دادند. مرگ او در حالی که این هسته حکومت روزبه‌روز کوچک‌تر شده است، موجب دردسرهایی برای حکومت خواهد شد. رقابت‌ها و افشاگری‌ها بلافاصله شروع می‌شود و نهایتاً "انتخابات" بی‌رونقی در هفته‌های

آینده خواهند داشت و در مقابل مردم شکننده‌تر خواهند شد.

اما تحلیلگران در مورد قدرت خامنه‌ای اغراق می‌کنند. طوری صحبت می‌کنند که گویی خامنه‌ای بر مبنای یک استراتژی منسجم و درازمدت تصمیم می‌گیرد و حکومت تصمیمات او را اجرا می‌کند. مطلقاً این‌طور نیست. خامنه‌ای، در معیت سپاه، در حکومت موقعیت بلامنازعی دارد؛ اما سیاست‌های حکومت اساساً برای بقا است و از این ستون به آن ستون فرج است. برای چنین حکومت بحرانی و در حال افول هیچ بخش رهبری آن، و مشخصاً خامنه‌ای به‌عنوان منفورترین فرد حتی در میان خود حکومتیان، تصمیم مستقل و استراتژی باثباتی نمی‌تواند داشته باشد. از یک طرف تحت فشارهای بین‌المللی مدام

مجبور به کرنش می‌شوند و از طرف دیگر تحت فشار جنبش سرنگونی مجبور به کوتاه‌آمدن می‌شوند. حکومتی که از نظر اقتصادی بحرانی است، تمام مقدراتش سکه یک پول شده، هر دو سال یکبار با خیزش توده‌ای مواجه می‌شود و ارکانش به لرزه می‌افتد و محور سیاست‌های اقتصادی و نظامی و سیاسی‌اش حفظ خود می‌باشد، دادن یک تصویر پر قدرت از رهبر آن ربطی با واقعیت ندارد. مرگ رئیسی حلقه یاران خامنه‌ای را باز هم کوچک‌تر و به این معنی موقعیت خامنه‌ای را ضعیف‌تر کرد.

سازمان عفو بین الملل و رسیدگی به جنایات رئیسی جلاد حسن صالحی

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه‌ای گفته است، مرگ ابراهیم رئیسی نباید مردم ایران را از حق عدالت، حقیقت و غرامت به خاطر جنایاتی که او در دهه ۶۰ مرتکب شده، محروم کند. جامعه بین الملل باید هم‌اکنون راهی برای پاسخگویی مسئولان جنایت بیابد.

سازمان عفو بین الملل به حقیقت مهمی اشاره دارد. مرگ قاتلان و جلادان، پرونده مملو از جنایات آنها را نمی‌بندد. پرونده ابراهیم رئیسی همچنان باز

است و باید به همه جنایاتی که وی مرتکب شده است، رسیدگی شود. درست است که رئیسی بدون محاکمه مرد؛ ولی هم آثار جنایات وی پابرجاست و هم حکومتی که او نماینده آن بود همچنان به اعمال جنایت کارانه اش ادامه می دهد.

رئسی در طول حیاتش یکی از مهره های اصلی دستگاه قتاله جمهوری اسلامی یعنی قوه قضائیه بود. او به عنوان یکی از اعضای هیئت مرگ در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ نقش مستقیمی داشت و به این گذشته، بی شرمانه افتخار می کرد. رئسی در دوره ریاست قوه قضائیه مسئول بیش از ۴۰۰ اعدام و از جمله تنی چند از فعالین سیاسی و معترضین نظیر نوید افکاری و روح الله زم بود. در

جریان انقلاب زن زندگی آزادی در زمان دولت او حداقل ۵۰۰ تن از معترضین این انقلاب کشته شدند و دهها هزار نفر بازداشت و زندانی گردیدند. لیست این جنایات بلند و طولانی است. تاکنون هیچ کدام از سران جمهوری اسلامی به خاطر این جنایات نه جوابگو بوده‌اند و نه محاکمه شده‌اند.

با اینکه بسیاری از اعمال جنایت کارانه سران و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی به درست جنایت علیه بشریت نام گرفته است؛ ولی در هیچ دادگاهی به این جرایم رسیدگی نشده است؛ بلکه برعکس برای آنها نوعی مصونیت قضایی وجود داشته که حتی آنها را از پاسخگویی معاف کرده است. در حالی که مردم ایران از مرگ این جانیان ابراز خوشحالی می‌کنند

متأسفانه دولت‌های ریاکار سرمایه‌داری مُرده آنها را با دعا و صلوات و ابراز تسلیت همراهی می‌کنند. شرم بر کسانی باد که سعی در شستن این همه جنایات دارند و این حیاط خلوت کشت و کشتار را برای جمهوری اسلامی فراهم آورده‌اند.

اینجا نیز ما مردم هستیم که نباید بگذاریم جنایات آدمکشانی چون رئیسی با مرگ او به بوته فراموشی سپرده شود. این پرونده از نظر ما همچنان مفتوح است و همانطور که نهادهای مدنی در ایران بعد از مرگ رئیسی نشان دادند قصد دارند مجدانه آن را پیگیری کنند.

ماشاءالله کرمی‌ها تنها نیستند

یاشار سهندی

حکومت اسلامی کلیه اموال ماشاءالله کرمی، پدر جان‌باخته محمد مهدی کرمی را به جرم دادخواهی از فرزندش، اعم از خانه و ماشین و هرآنچه که این خانواده دادخواه دارند مصادره کرده، و این پدر داغ‌دیده را به شش سال زندان محکوم شده است. پدری که به قول خودش فرزندش را «با پول دست‌فروشی» بزرگ کرده و حکومت او را به قتل رسانده. سوای دو اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی»، ماشاءالله کرمی متهم به «تحصیل مال نامشروع و پول‌شویی» شده و در این رابطه

هم محاکمه شده است! در حالی که انگلی مانند کاظم صدیقی با یک فقره «زمین خواری» هزار میلیارد تومانی مدعی هست با «آبروی مؤمن نباید بازی کرد!» راست راست راه می رود. این یک مورد از بی شمار ستمگری جمهوری اسلامی است، ستمگری در بی نهایت آن.

ماشاءالله کرمی، انسان گمنامی که در گوشه‌ای از ایران با دست فروشی روزگار می گذراند به واسطه قتل حکومتی پسرش به جمع بزرگ خانواده‌های دادخواه پیوست، و نشان داد بسیاری مانند او که نامشان در هیچ جا مطرح نیست، چگونه می توانند نشان دهند قلب بزرگی دارند. او علاوه بر به دوش کشیدن داغ فرزند زحمت کش خود، یک دم از این غافل نشد که نام محمد حسینی، معترضی که

همراه با پسر جان‌باخته خود با طناب دار به قتل رسید، را بزرگ بدارد و دادخواه او هم باشد. او در اقدامی تحسین‌برانگیز از اقدامات وکیلی که سعی کرده بود محمد مهدی را نجات دهد تشکر کرد؛ آن وکیل اذعان کرد انتظار چنین عملی را نداشته است. در اقدامی دیگر بر سر مزار مهسا امینی حاضر شد و دست در دست پدر مهسا بر دادخواهی پافشاری کرد و با همه خانواده‌های دادخواه همدردی کرد.

جامعه رها شده از چنگ فقر و استبداد و دیکتاتوری، جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی را بزرگ می‌دارد و خانواده‌های این عزیزان را در آغوش می‌گیرد تا مرهمی باشد بر همه دردهای بی‌پایان آنها. همین امروز هم این نمادهای مبارزه برای

رهایی و آزادی نامشان باید بزرگ داشته شود.
با بزرگ داشتن ایشان می‌توان به جامعه نشان
داد ماشاءالله کرمی تنها نیست. ما که برای دنیایی
نوین و زیبا و انسانی مبارزه می‌کنیم بی‌شماریم.

شرط مهم حل مسئله فلسطین

محسن ابراهیمی

موضع اخیر سه کشور اسپانیا، نروژ و جمهوری ایرلند که در اقدامی هماهنگ از تصمیم خود برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین در ۲۸ ماه مه خبر داده‌اند، مسئله فلسطین و راه حل آن را بار دیگر به رأس موضع گیری‌ها و مناظره‌های حاد سیاسی رانده است.

همچنان که انتظار می‌رفت دولت نتانیا هو به این اتفاق با خشم واکنش نشان داد و دولت خودگردان فلسطین هم از آن به عنوان "یک لحظه تاریخی" استقبال کرد. واکنش حماس این وسط جالب توجه

است. عزت الرشق، از رهبران ارشد حماس از این اتفاق به عنوان یکی از دستاوردهای ”طوفان الاقصی“ استقبال کرد. حماس که در آرزوی راه‌انداختن حاکمیت اسلامی از ”رودخانه تا دریا“ یعنی به دریا ریختن مردم اسرائیلی آن منطقه جغرافیایی است، عملاً دارد می‌گوید در فرصت مناسب یک ۷ اکتبر تازه‌ای راه خواهد انداخت.

حکام اسلامی چه می‌گویند؟ آنها فعلاً مشغول جنازه چرخانی هستند و در رسانه‌هایشان در باره موضع حماس خبررسانی می‌کنند. حکومت اسلامی مدت‌هاست در باره مسئله فلسطین یکی به میخ یکی به نعل می‌زند. از یکطرف همچنان بر طبل توخالی نابودی اسرائیل می‌کوبد و از طرف دیگر نماینده دائمش در سازمان ملل اخیراً به

قطعنامه پیشنهادی اردن رأی مثبت داد که شامل به رسمیت شناسی راه حل دو کشوری است. این موضع پریشان ناشی از یک تناقض واقعی است که حکومت اسلامی در میان آن گیر کرده است. از یکطرف دست کشیدن از اسرائیل ستیزی به مثابه یک رکن ایدئولوژیک ممکن نیست. از طرف دیگر در داخل با چالش‌های سیاسی تکان‌دهنده و در منطقه و جهان با انزوای سیاسی مواجه است.

علی‌رغم به رسمیت شناسی دیپلماتیک تشکیل یک دولت فلسطین مستقل در کنار دولت اسرائیل توسط بیش از ۱۴۰ کشور، تا کنون راه حل دو کشور تحقق نیافته است. چرا؟ چون صرف به رسمیت شناختن راه حل دو کشوری کافی نیست. باید دست نیروها و دولت‌هایی را کوتاه

کرد که از تداوم مسئله فلسطین ارتزاق می کنند
و حاضر نیستند مسئله فلسطین حل شود.
دولت‌ها و نیروهایی که در دو سوی این مناقشه
به سیاست‌های نژادپرستانه و فاشیستی همدیگر
نیاز دارند. باید تکلیف را با دو دولت نژادپرست،
فاشیست و مذهبی اسرائیل از یکطرف و جمهوری
اسلامی و باندهای اسلامی وابسته‌اش از طرف
مقابل تعیین تکلیف کرد.

نوجوان پاکستانی با «قلب هندی»

کیوان جاوید

عایشه رشید "کاردیومیوپاتی" مادرزادی دارد، وضعیتی که پمپاژ خون را برای قلب دشوار می کند. مادر عایشه می گوید: "پزشکان پاکستان گفتند برای درمان مناسب باید به هند یا کانادا برویم."

راه دشوار رسیدن به هند یکی دیگر از جدال های این دختر نوجوان برای زنده ماندن بود. زیرا دو دولت هند و پاکستان از زمان تقسیم شبه قاره هند در سال ۱۹۴۷ تا کنون دشمنان سرسخت یکدیگر بوده اند. کشمکش ها و اختلافات میان این دو کشور ریشه ناسیونالیستی و دینی دارد.

با این حال تقاضای ویزای این خانواده برای سفر به هند مورد قبول واقع شد.

سرانجام پس از ۱۰ ماه انتظار قلب اهداکننده ۶۲ ساله‌ای از دهلی برای پیوند به عایشه آماده شد. مادر عایشه می‌گوید این لحظه‌ای از شادمانی و آسودگی ناب برای خانواده ما بود.

این خبر نه تنها یک موفقیت شادی بخش برای عایشه و خانواده او است که نشان می‌دهد انسانیت مرز نمی‌شناسد و دشمنی بین انسان‌ها زاده نظام‌های حاکم بر جهان است. ما مردم را با اختلافات دینی و قومی و ناسیونالیستی از هم جدا می‌کنند. از بدو تولد تفاوت‌ها و تنفر ملی و قومی و مذهبی را در گوش ما زمزمه و بیگانه‌هراسی را

در روح و روان ما نهادینه می کنند. از ما "نژاد برتر"
و از آنها "نژاد پست" می سازند. با مغزشویی مداوم
از ما وطن پرستانی می سازند که حاضر باشیم خون
همسایگانمان را بر زمین بریزیم و به این افتخار
کنیم که خون و نژاد و ژن ما با بقیه تفاوتی بنیادی
دارد. هندی دشمن پاکستانی و پاکستانی دشمن
هندی، فارس دشمن عرب و عرب دشمن آن یکی
می شود.

اینها همه ابزار سودبری یک طبقه است. حاکمانی
که برای غارتگری و استثمار انسانها، تفرقه و
جدایی و تنفر از انسانها با چهرهها و زبانها
و اعتقادات دیگر را بیوقفه به سوی ما بمباران
می کنند تا خود از همه نعمات زندگی بهره مند
شوند.

خبر پیوند قلب عایشه نشان می‌دهد که انسانیت
مرز ندارد. ما همه از یک نژاد هستیم، نژاد انسان.
انسانیت تنها در ورای این نظام سودپرست و
ضدانسانی متبلور می‌شود و جهان در یک
همبستگی انسانی جهانی در هم‌زیستی کامل در
کنار هم از زندگی نهایت لذت را می‌برد. به امید
آن روز.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال